

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

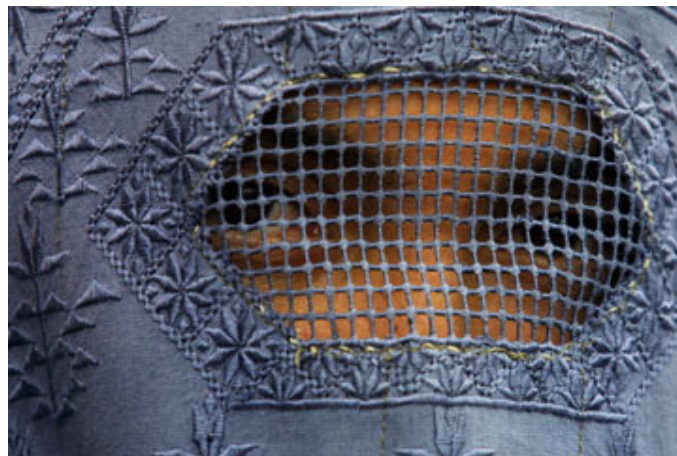
سیاسی

نوشته ژولی لوسک - [Julie Lévesque](mailto:Julie Lévesque)

برگردان از: حمید محوی

۱۷ اپریل ۲۰۱۳

## از افغانستان تا سوریه حقوق زنان بهانه ای برای تبلیغات جنگی و «سی. آی. ای.»



**موضوع حقوق زنان بیش از پیش به عنوان ابزار تبلیغاتی برای اهداف امپریالیستی به کار بسته می شود.**

رؤسای دولت های غربی، نمایندگان سازمان ملل متحد و سخنگویان نظامی دائم در هماهنگی با یک دیگر در مورد ابعاد بشر دوستانه اشغال افغانستان طی اکتوبر ۲۰۰۱ توسط ایالات متحده و ناتو تجلیل به عمل می آورند و هدف از چنین اشغالی را به عنوان مبارزه علیه اصول گرایان مذهبی، و یاری رساندن به دختر بچه ها برای راه یابی به مدرسه و آزاد سازی زنان از سیطره طالبان جلوه می دهند.

از دیدگاه منطقی ابعاد چنین جنگ بشر دوستانه ای در افغانستان قابل اعتراض است. فراموش نکنیم که القاعده و طالبان در آغاز جنگ شوروی و افغانستان، در چهار چوب عملیات سرّی «سی. آی. ای.» از پشتیبانی ایالات متحده برخوردار بودند.

«جمعیت انقلابی زنان افغانستان» \* وضعیت را به شکل زیر توصیف می کند :

«امریکا و متحدانش، اشغال نظامی افغانستان را به نام «ارمغان آزادی و دموکراسی به مردم افغان» توجیه نمودند. لیکن چنانچه تجربه سه دهه اخیر نشان داد، امریکا در برخورد به سرنوشت مردم ما اساساً منافع سیاسی و اقتصادی

خود را مطمح نظر قرار داده، میهنفروشانترین، ضد دمرکراتیکترین، فاسدترین و زن‌ستیزترین باندهای بنیادگرا را تمویل و تجهیز نموده است» (۱)

این ایالات متحده بوده است که رژیم طالبان را در افغانستان به سال ۱۹۹۶ مستقر کرد، یعنی ستراتیژی سیاست خارجی که به نابودی حقوق زنان در افغانستان انجامید :

«در چهار چوب حکم ریاست جمهوری در خصوص امنیت ملی و رویکرد ستراتیژیک ۱۶۶، کمک ایالات متحده به بریگادهای اسلامگرا از راه پاکستان تنها به کمک های نظامی نوعی منحصر نبود. به میانجیگری نمایندگی ایالات متحده برای انکشاف بین المللی، واشینگتن در عین حال روند ارشاد اعتقادات مذهبی به هدف الغای مؤسسات مدنی (لایک) را پشتیبانی و تأمین مالی می کرد» (۲)

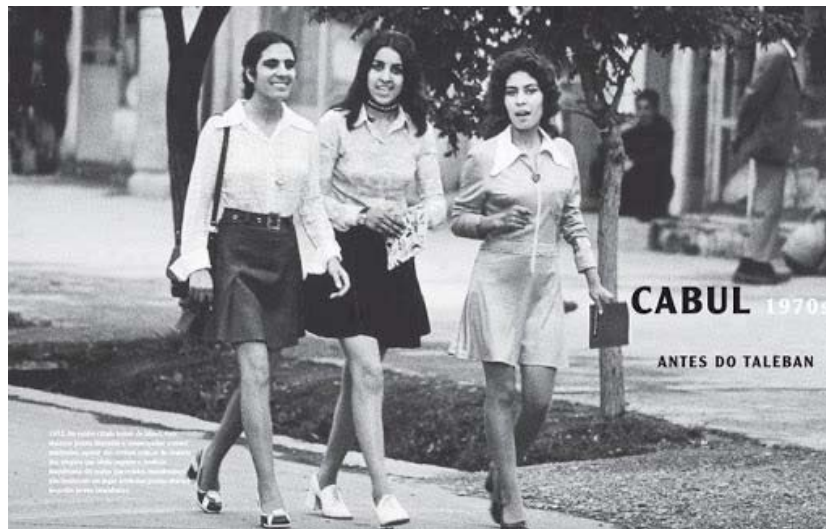
ایالات متحده آمریکا سخاوتمندانه مدارس مذهبی را تأمین مالی می کرد :

«پیش از جنگ شوروی- افغانستان، آموزش در افغانستان به شکل گسترده مدنی بود. ایالات متحده با تشویق آموزشهای سرّی موجب تخریب آموزش مدنی شد. تعداد مدارس مذهبی با بودجه های «سی. آی. ای.» از ۲۵۰۰ در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۳۹۰۰۰ در سال ۲۰۰۱ رسید.» (۲)



زنان امروز افغانستان

(AFP Photo / Shah Marai)



زنان افغان در سالهای ۱۹۷۰ پیش از مداخلات «سی. آی. ای.»

مردم ایالات متحده نمی دانند که کشور خود آنها در مجموعه کتابهایی که در دانشگاه نبراسکا تهیه شده، آموزش جهاد طلبان را تدارک دیده بوده است :

«در چهارچوب اقدامات سری به هدف تحریک مقاومت علیه اشغال شوروی، ایالات متحده میلیون ها دالر برای تهیه و تدارک کتابهایی انباشته از تصاویر خشونتبار و آموزش اسلامی و مبارز برای شاگردان افغان اختصاص داده است. نخستین کتاب ها، انباشته از گفتمان جهاد طلب و تصاویر اسلحه گرم، گلوله، سرباز و مین در برنامه نظام آموزشی افغان به خدمت گرفته شده است. حتی طالب ها از این کتاب های صادر شده توسط ایالات متحده استفاده کرده اند. کاخ سفید از وجهه مذهبی دفاع می کند و با پیش کشیدن فرهنگ افغان و آمیختگی آن به اصول اسلامی، این کتاب ها را کاملاً مطابق بر سیاست و قوانین ایالات متحده تلقی می کند. با این وجود حقوق دانان این موضوع را زیر علامت سؤال برده اند و می پرسند که آیا این کتابها با قانون اساسی در تضاد نبوده و آیا هزینه ای که از صندوق مالیات دهندگان برداشت شده صرف تبلیغ امور مذهبی نشده است؟»

نمایندگان بنیاد ایالات متحده برای انکشاف بین المللی اعلام کردند که مواد اسلامی را دست نخورده باقی گذاشتند زیرا بیم آن را داشتند که مربیان افغان در فقدان اندیشه اسلامی کتابها را نپذیرند. سخن گوی بنیاد انکشاف بین المللی ایالات متحده، کاترین ستراتوس اعلام کرد که بنیاد او «لوگوی» خودش را و هر گونه نشان دولت ایالات متحده را از متن های مذهبی حذف کرده است. و علاوه بر این او اظهار داشت که «تشویق آموزش مذهبی جزء سیاست های انکشاف بین المللی ایالات متحده نیست، ولی با این طرح ما گامی به پیش برداشتیم که هدف اصلی [...] آموزش وظایف مدنی به کودکان می باشد». این کتابها که در آغاز سالهای ۱۹۸۰ با بودجه بنیاد انکشاف بین المللی ایالات متحده در دانشگاه نبراسکا در «اوماها» و مرکز پژوهش های افغان تهیه شده به زبانهای اصلی افغانستان، «دری و پشتو» منتشر شده است. این بنیاد ۵۱ میلیون دالر به برنامه های آموزش دانشگاهی در افغانستان بین سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۹۴ اختصاص داده است.» (واشینگتن پست، ۲۳ مارچ ۲۰۰۲)

### نگاهی به گذشته

پیش از به قدرت رسیدن طالبان، زنان افغان شیوه زندگی خیلی مشابهی به زنان غربی داشتند (به عکس زیر نگاه کنید)





### پوهنتون کابل در سال های ۱۹۸۰

در سال های ۱۹۸۰ «کابل یک شهر چند ملیتی بود. هنرمندان و هیپی ها در پایتخت افغانستان رفت و آمد داشتند. زنان در پوهنتون شهر به تحصیل در رشته های کشاورزی، مهندسی و امور تجاری می پرداختند و در دستگاه های دولتی پست حرفه ئی داشتند.» زنان به عنوان نماینده در مجلس انتخاب می شدند، حق رانندگی داشتند، مسافرت می کردند و در کنار مردان زندگی می کردند بی آن که به مجوز خاصی نیاز داشته باشند. به شکل طنز آمیزی، حقوق زنان پیش از قیام جهاد طلبان به پشتیبانی ایالات متحده به شکلی که «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» توضیح داده است در مقاله ای به تاریخ ۲۰۱۰ در «فورین پلیسی» تأیید شده است، سخنگوی واشینگتن پست که سامودل هانتینگتون بنیانگذار آن بود :



### محصلان کابل تغییر شکل داده اند. ثبت نام ها طی چهار سال گذشته دو برابر شده است

«محوطه پوهنتون کابل که در تصویر بالا می بینیم خلاف باشندگان قدیمی آن تغییری نکرده است. در سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، محصلان پوششی مشابه به هم قطاران خود در غرب داشتند و زنان و مردان آزادانه رابطه اجتماعی داشتند.

امروز، زنان از سر تا پا باید پوشیده باشند، حتی در کابل. نیم قرن بعد، زنان و مردان در متارکه کامل با یک دیگر به سر می برند.



**صنف بیولوژی، پوهنتون کابل**

در سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، زنان می توانستند در حرفه هایی مانند پزشکی تحصیل کنند. امروز، مدارس که به زنان آموزش می دهد، حتی بیش از پنج یا شش سال گذشته هدف تهاجم خشونت بار قرار می گیرد.



**فروشگاه صفحه گرامافون**

در گذشته فروشگاه صفحه گرامافون، موسیقی ریتم و انرژی غربی را به نوجوانان افغان عرضه می کرد.



### صدها نوجوان افغان در طرح سازمان پیشاهنگی [خاردنوی] شرکت فعال داشتند

در گذشته، در افغانستان پیشاهنگان دختر و پسر وجود داشتند. در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، چنین برنامه های شباهت زیادی به برنامه های ایالات متحده داشت که برخی وظایف را در اردوگاه ها، جاده های تفریحی و امنیت عمومی را برای پیشاهنگان دبستان ها و دبیرستانها در نظر می گرفتند. با این وجود، سازمان پیشاهنگی پس از اشغال شوروی ها در پایان سالهای ۱۹۷۰ کاملاً ناپدید شد.» (۳)

برخی ممکن است تصور کنند که تخریب این شیوه زندگی در افغانستان محصول مستقیم تهاجم شوروی به افغانستان بوده است، ولی در واقع چنین تخریبی با پشتیبانی ایالات متحده و به روی صحنه آمدن القاعده و طالبان صورت گرفت. حرکت شوروی برای پشتیبانی از دولت طرفدار شوروی در کابل برای مقابله با شورش مجاهدین اسلامگرائی آغاز شد که به شکل مخفیانه از سوی «سی. آی. ای.» پشتیبانی می شدند \*\*، یعنی موضوعی که زیببگنیف برژینسکی، مشاور سیاست امور خارجه ایالات متحده نیز آن را باشناسی کرده است :

«در واقع، ۳ جولای ۱۹۷۹ رئیس جمهور کارتر نخستین حکم کمک به مخالفان رژیم طرفدار مسکو را امضاء کرد. در آن روز، من یک پیغام برای رئیس جمهور فرستادم، که طی آن توضیح دادم که به اعتقاد من این کمک ها موجب مداخله نظامی شوروی ها خواهد شد» [...]

عملیات سرّی راهکار بسیار خوبی بود، و موجب کشاندن روسها در دام افغانها شد، می خواهید که از این بابت متأسف باشم؟ روزی که شوروی ها رسماً در مرز افغانستان نفوذ کردند، برای رئیس جمهور نوشتم : «حالا ما فرصت آن را خواهیم یافت که ویتنام شوروی ها را به آنها عرضه کنیم.» (۴)

سال ۱۹۸۲، رئیس جمهور رونالد ریگان فضا پیمای کلمبیا را به «مبارزان آزادی» تقدیم کرد، یعنی اسلام گرایانی که در افغانستان مورد حمایت ایالات متحده بودند، و آنها را به نام القاعده و طالبان می شناسیم. (به ویدئوی مستند زیر نگاه کنید)

[http://www.youtube.com/watch?v=uqZ-ToXjCz0&feature=player\\_embedded](http://www.youtube.com/watch?v=uqZ-ToXjCz0&feature=player_embedded)

رونالد ریگان : «کلمبیا گواه بر بزرگترین تمایلات انسان در زمینه علم و تکنولوژی می باشدبه همان معنایی که مبارزات مردم افغان گواه بر بزرگترین تمایلات انسان برای آزادی است.»



سال ۱۹۸۵ رونالد ریگان با مجاهدین (طالب ها) ملاقات می کند :

«این افراد معادل پدران بنیانگذار ایالات متحده هستند»

با این وجود دولت های ایالات متحده و کشورهای عضو ناتو مدعی هستند که حضور نظامی آنها در افغانستان در خدمت دفاع از حقوق زنان بوده است. در واقع این حقوق با ورود رژیم طالبان که مورد حمایت واشینگتن بودند، از بین رفت.

### شبکه زنان سوریه در وزارت امور خارجه

بر چه مبنائی تاریخ زنان افغان با حقوق زنان سوریه در متن بحران فعلی در تلافی قرار می گیرد؟ جنگ اعلام نشده ایالات متحده و ناتو علیه سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۳) به پشتیبانی شورشیان طیف القاعده منطق مشابهی را نشان می دهد، یعنی تخریب آموزش مدنی و الغای حقوق زنان. آیا زنان سوریه با همان سرنوشت تراژیکی روبه رو هستند که افغان ها زیر سیطره طالبان؟

جنوری گذشته «گروهی از طیف های مختلف زنان سوری» که به نوعی «به نمایندگی جریان های اصلی اپوزیسیون» در کنفرانسی که «شبکه دموکراتیک زنان» به همکاری سازمان جهانی زنان یکی از مؤسسات وزارت امور خارجه ایالات متحده، در دوحه در قطر برگزار کرد، شرکت داشتند.

شبکه دموکراتیک زنان وابسته به بنیاد بین المللی جمهوری خواهان، به خاطر کمک هایش به مخالفان کشورهای که علیه خواست امپریالیسم امریکا مقاومت می کنند، شهرت دارد. روشن است که وزارت امور خارجه ایالات متحده از موضوع «حقوق زنان» به عنوان ابزار سوء استفاده می کند، زیرا هم زمان به هدف ایجاد یک دولت اسلامگرا در دمشق اپوزیسیون اسلامگرا را مسلح می سازد.

شبکه زنان سوریه که به مدیریت و سرمایه ایالات متحده در کنفرانس شرکت داشت، قطعنامه ای را مطرح کرد که خواهان «تضمین مشارکت زنان در راه حل منازعه و در دوران گذار کشورشان» بود.



«مونیکا مک ویلیام، بنیانگذار اتحادیه زنان ایرلند شمالی (سمت چپ) و معاون نخست وزیر کوزوو ادیتا طاهری (سمت راست) از تجربیات خودشان را با شرکت کنندگان در کنفرانس دوحه در قطر می گویند، یعنی در خصوص منشور شبکه زنان سوریه که از سوی طیف های مختلف تصویب شده بود.»

نخستین تناقضی که به چشم می آمد، برگزاری این کنفرانس در قطر بود، یعنی کشوری که حقوق زنان محدودیت های بیشتری دارد. در اواسط مارچ، دولت قطر حتی اظهار نگرانی کرد «درباره مراجعات به حقوق جنسی و تولید کننده زنان» با توجه به اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد جایگاه زنان : منع و پیشگیری از هر گونه خشونت علیه زنان. دومین تناقض که منجر به از بین رفتن حقوق زنان در افغانستان شد، حمایت از گسترش اعتقادات مذهبی بود، در حال حاضر با تغییر رژیم در سوریه تکرار می شود.

فعلاً ایالات متحده، قطر و عربستان سعودی با پشتیبانی از گروه های اسلام گرای افراطی علیه دولت لائیک سوریه می جنگند. برخی «مناطق آزاد شده» در سوریه در حال حاضر توسط افراط گرایان مذهبی اداره می شود.

[http://www.youtube.com/watch?feature=player\\_embedded&v=EyK5-GLu-Ls](http://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=EyK5-GLu-Ls)

«مدارس مذهبی وهابی و حقوق زنان در منطقه آزاد شده شهر حلب توسط مخالفان مورد حمایت ایالات متحده و عربستان سعودی.

اگر رژیمی به نیابت از ایالات متحده در دمشق مستقر شود، حقوق و آزادی زنان سوریه می تواند دچار همان سرنوشتی شود که زنان در افغانستان با روی کار آمدن طالبان با آن روبرو شدند، و باز هم یعنی سرنوشتی که حتی در دوران اشغال توسط ایالات متحده و ناتو نیز همچنان ادامه دارد.

### پی نوشت

(۱) سایت «جمعیت انقلابی زنان افغانستان». «امریکا و عوامل بنیادگرایی، ناقضان اصلی حقوق بشر در افغانستان»

[http://www.rawa.org/events/dec10-07\\_pr.htm](http://www.rawa.org/events/dec10-07_pr.htm)

(۲)

Michel Chossudovsky, [9/11 ANALYSIS: From Ronald Reagan and the Soviet-Afghan War to George W Bush and September 11, 2001](#), Global Research, 9 septembre, 2010.)

(۳)

Mohammad Qayoumi [Once Upon a Time in Afghanistan...](#), Foreign Policy, 27 mai 2010

(۴)



منبع :

<http://www.mondialisation.ca/de-lafghanistan-a-la-syrie-droits-des-femmes-propagande-de-guerre-et-cia/5331097>

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۶ اپریل ۲۰۱۳

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۱۴ اپریل ۲۰۱۳

منطقه : آسیا، خاورمیانه و آفریقای شمالی

مضمون : حقوق زنان، جنگ ایالات متحده، ناتو

تحلیل : افغانستان، سوریه

یادداشت:

\*- ضمن ابراز امتنان خدمت همکار عزیز ما آقای «محوی» که زحمت ترجمه چنین متن طولانی را متقبل شده اند و به امید آن که عملکرد آقای «محوی» سرمشقی گردد برای آن عده از افغانهایی که زبان می دانند و توانایی برگردان مطالب را نیز دارند، مگر با تأسف کمتر احساس مسؤلیت نموده، هموطنان شان را با آنچه به زبانهای دیگر در مورد شان نوشته می شود، آشنا نمی سازند؛ ایکاش «جمهیت انقلابی زنان افغانستان» که تا هنوز از به قدرت رسیدن افراد ناسالم به قدرت، گله مند اند، این تعهد، شهامت و جرأت را نیز می داشتند تا در گام اول علیه تجاوز و اشغال افغانستان به وسیله امپریالیزم جنایت گستر امریکا و شرکاء موضع می گرفتند و در ثانی خود، با شرکت در لوی جرگه ها و پارلمان، به آرایش یک نظام دست نشانده که فساد از ماهیت وابستگی آنها بر می خیزد، شرکت ننموده، به چشم مردم خاک نمی زدند.

\*\* - صرف نظر از آن که ادعای روسها که گویا آنها «خلقى - پرچمی» ها را در یک حرکت تلافی جویانه علیه غرب و به مثابه پاسخی به دخالت آنها، کمک نموده است، کمترین قربتی با واقعیت های آن زمان افغانستان ندارد، چه روسها باند های میهن فروش «خلق و پرچم» را از سالها قبل مورد حمایت همه جانبه قرار داده از آنها به مثابه ستون پنجم خودش استفاده می نمود و همچنین نقش آشکارش در پیروزی فاجعه ثور دیگر بر کسی پوشیده نیست تا چنین ادعائی را نمایند، روسها از همان آغاز به قدرت رسانیدن باند های «خلق و پرچم» با تمام قواء یگانه حریف حاضر آن زمان دولت دست نشانده را که به غیر از نیروهای انقلابی، نیروی دیگری نبوده و هیچ گونه ارتباطی با غرب و یا شرق نداشتند، مورد تهاجم افسار گسیخته قرار داده، حتا قبل از امضای آنچه «برژینسکی» ها می خواهند با تمسک به آن پیروزی خلق ما را سارقانه به خود نسبت دهند، بیش از ۱۰ هزار تن از انقلابی های پاکباز میهن ما را در پولیگونها به خون کشانیده بود.

از همه گذشته و برای آن که مدافعان سیاست های تجاوز کارانه شوروی آنروز، متوجه باشند باید نوشت:

بنا بر منطق «لنین» پیشوای انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷، انقلاب کار توده های میلیونی خود یک کشور است نه یک ارتش بیگانه با بیش از ۱۰۰ هزار سرباز و هزاران نوع اسلحه مدرن و نابود کننده؛ بر مبنای همین منطق نه شوروی حق داشت از دولت دست نشانده اش دفاع نماید و نه هم امپریالیزم جهانی به سرمداری امپریالیزم جنایت گستر آمریکا، تا با حمایت از اخوان و اخوانیت، کشور ما را در زیر سایه اسلحه دهه ها به عقب براند.

در همین جا بی مورد نخواهد بود بیفزائیم:

«برژینسکی» ها که در زمانش جرأت چپ نگاه کردن به طرف ابر قدرت شوروی را نداشتند، بعد از آن که در آوردگاه افغانستان پوزه آن ابر قدرت به خاک مالیده شد، از ضعف سیاسی و تبلیغی جنبش مقاومت اصیل و سرسپردگی «مقاومت رسمی» سود جسته، در همه جا کوشیده اند تا پیروزی خلق ما را با بی حیائی کم نظیری به سرقت برده، ادعا نمایند که گویا «این امریکا بود که حریف خود را به زانو در آورد»؛ آیا این ها می توانند بگویند که زانو زدن فعلی شان را در مقابل مقاومت خلق ما، که سخت تلاش دارند تا آن را به نوکران دیروزی اش یعنی طالب ها نسبت داده، به شکل دیگری خود را بر سرنوشت ما حاکم نمایند، به کدام حریف پر قدرتی نسبت بدهیم؟؟

اینها که خود در عمل با وجود خیانت آشکار بخشهای کلی «مقاومت رسمی» دیروز و در خدمت امپریالیزم قرار گرفتن آنها، توان آن را ندارند تا با تمام زراد خانه ناتو، چند ولسوالی را تابع و منقاد خود بسازند، در صورتی که با جنبشی به عظمت جنبش ضد روسی مواجه می شدند، معلوم است که منتظر کشتی نشده با انداختن خود به بحر هند، می خواستند از مهلکه افغانستان خود را برهانند.

«برژینسکی» ها باید بدانند که این کشور از دوره های اساطیری تا امروز، به زور مردم و باشندگان خودش، گورستان امپراتوری ها بوده و بعد از این هم خواهد بود. آنها با چنین ادعا هائی فقط خود را مسخره می نمایند، چه حتا افرادی از قماش رئیس جمهور شان «اوباما» نیز بدین امر معترف است که افغانها با اشغالگران سرسازش ندارند.